



## رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران: تیراژ کتونی کتاب، شایسته ایران نیست

کتابخوانی باید در جامعه ترویج شود و این کار برعهده همه دستگاه‌هایی است که در این زمینه مسئولند ...

کتابخوانی باید در جامعه ترویج شود و این کار برعهده همه دستگاه‌هایی است که در این زمینه مسئولند.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب دیروز در دیدار مسئولان کتابخانه‌های بزرگ و عمومی و جمعی از کتابداران سراسر کشور همه مسئولان دستگاه‌های فرهنگی و مرتبط با موضوع کتاب و کتابخوانی را به بازنگری جدی و حرکتی جدید و فراگیر برای ترویج کتابخوانی و مطالعه کتاب‌های مفید و سالم به ویژه میان نوجوانان و جوانان فراخواندند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری متن کامل بیانات ایشان چنین است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز اهل کتاب.

جلسه، یک جلسه‌ی صددرصد فرهنگی است؛ و بنده‌ی حقیر قصد اولم از ایجاد این جلسه و ملاقات با شما برادران و خواهران عزیز، یکی تشکر از زحمات مسئولان کتابخانه‌ها و کتابدارها در سراسر کشور بوده، به خاطر کار بزرگ و مهمی که انجام می‌دهند، و دیگری واقع یک رمز احترام به کتاب و کتابخوانی و اهمیت کتاب در جامعه.

هرچه ما پیش برویم، احتیاج ما به کتاب بیشتر خواهد شد. این که کسی تصور کند با پدید آمدن وسائل ارتباط جمعی جدید و نوظهور، کتاب منزوی خواهد شد، خطاست. کتاب روزبه‌روز در جامعه بشری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. ابزارهای نوظهور مهم‌ترین هنرشان این است که مضمون کتابها و محتوای کتابها و خود کتابها را راحت و آسان منتقل کنند. جای کتاب را هیچ چیزی نمی‌گیرد.

یک نکته این است که ما اگر درصد هم‌افزایی آحاد خودمان، از لحاظ فکر و تجربه و ذوق و هنر هستیم، بایستی ارتباط خودمان را با کتاب بیشتر کنیم. کتاب مجموعه‌ای است از محصولات یک فکر، یک اندیشه، یک ذوق، یک هنر؛ مجموعه‌ای است از یافته‌های یک یا چند انسان. ما خیلی باید مغتنم بشمریم که از محصول فکر آحاد گوناگون بشر استفاده کنیم؛ این کاری است که کتاب به ما تقدیم میکند، هدیه می‌کند؛ این هدیه کتاب به ماست. لذا کتاب یک پدیده و یک موجود ذی‌قیمت است؛ همیشه اینجور بوده است، در آینده هم همین جور خواهد بود. لذا است که به کتاب بایستی اهتمام ورزید.

اهتمام به کتاب در واقع قوامش به اهتمام به کتابخوانی است. در جامعه باید سنت کتابخوانی رواج پیدا کند. فایده‌ی سوادآموزی این است. اثر حرکت و نهضتی که در کشورها برای ریشه‌کن کردن بیسوادی انجام می‌گیرد، عبارت است از همین، که بتوانند از این مجموعه عرضه‌کننده‌ی فکر و ذوق و استعداد دیگران استفاده کنند؛ این بدون کتابخوانی امکان‌پذیر نیست. به گمان من یکی از بدترین و پرخسارت‌ترین تنبلی‌ها، تنبلی در خواندن کتاب است. هرچه هم انسان به این تنبلی میدان بدهد، بیشتر می‌شود. کتابخوانی باید در جامعه ترویج شود؛ و این کار بر عهده‌ی همه‌ی دستگاه‌هایی است که در این زمینه مسئولند؛ از مدارس ابتدائی بگیرید - که برنامه‌هایی باید باشد که کودکان ما را از اوان کودکی به خواندن کتاب عادت بدهد؛ خواندن با تدبیر، خواندن با تحقیق و تأمل - تا دستگاه‌های ارتباط جمعی، تا صدا و سیما، تا وسائل تبلیغاتی گوناگون.

یکی از کارهای بزرگ و مهم در سطح جامعه این است که تبلیغات کتابخوانی همه‌گیر شود. ما امروز می‌بینیم برای کالاهای کم‌اهمیت که تأثیری هم در زندگی انسانها ندارند، صاحبانش تبلیغات رنگین عجیب و غریبی را متصدی میشوند، مباشر می‌شوند؛ دستگاه‌های ارتباط جمعی، مطبوعات، صدا و سیما آنها را پخش می‌کنند؛ در حالی که آن محصولات هیچ ضرورتی ندارند، هیچ لزومی ندارند، یک چیز اضافی در زندگی هستند؛ گاهی بودندشان مفید است، گاهی بودندشان حتی مفید هم نیست؛ شاید مضر هم هست. محصولی با عظمت کتاب، با ارزش کتاب، درخور این است که تبلیغ بشود؛ تشویق بشوند کسانی که می‌توانند کتاب را بخوانند؛ این را ما باید به صورت عادت در بیاوریم.

و من عرض کنم؛ ما در کشورمان، در جامعه‌ی خودمان، از واقعیتی که در این زمینه وجود دارد، راضی نیستیم. بله، درست است؛ امروز حجم کتابهایی که تولید می‌شود، با گذشته خیلی تفاوت کرده است؛ گاهی چند برابر کتاب منتشر می‌شود، یا تیراژ کتابها بالا می‌رود؛

لیکن این کافی نیست؛ اینها برای کشور ما خیلی کم است. باید جوری بشود که در سید کالای مصرفی خانواده‌ها، کتاب یک سهم قابل قبولی پیدا کند و کتاب را بخردند برای خواندن، نه برای تزئین اتاق کتابخانه و نشان دادن به این و آن. این هم یک نکته است، که مسأله‌ی کتابخوانی در جامعه است.

یک مسأله، مسأله‌ی کتابخانه‌هاست. خوب، کتابداران محترم زحمات عمده‌ای را در این زمینه به عهده می‌گیرند و متصدی و مباشرند. بنده از دوران نوجوانی در مراجعه‌ی به کتابخانه‌ها، نقش کتابداران را از نزدیک مشاهده می‌کردم. می‌رفتیم کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی و می‌دیدم که کتابدارهای آنجا چه نقشی ایفاء می‌کنند، چه زحمتی می‌کشند، چه دلسوزی‌ای به خرج می‌دهند. نفس کتابداری، یک کار انسانی فرهنگی برجسته‌ای است؛ منتها کتابدار صرفاً آن کسی نیست که خدمت آوردن و دادن کتاب را به عهده می‌گیرد؛ کتابدار می‌تواند منبع و منشأ و مرجعی باشد برای راهنمایی مراجعه‌کنندگان به کتاب.

یکی از کارهای مهم این است که ما ذهن را عادت بدهیم به نظم در مطالعه. گاهی مراجعه‌ی به یک کتاب اگر در جای خود قرار بگیرد؛ یعنی قبل از این کتاب، کتابهای دیگری که متناسب با این موضوع است، خوانده شده باشد، بعد این کتاب مطالعه شود، تأثیر به‌مراتب بیشتر و عمیق‌تری خواهد داشت از این که این کتاب بدون ملاحظه‌ی آنچه که مرتبط با آن است، دیده شده باشد. خوب، این راهنمایی می‌خواهد.

بعضی از ذهنها اهل کتابند؛ منتها کتاب آسان، کتابی که احتیاج به فکر کردن نداشته باشد. عیبی ندارد، این هم کتاب خواندن است، نفی نمی‌کنیم؛ اما بهتر از این شیوه‌ی کتابخوانی، این است که انسان در مجموعه‌ی کتابخوانی خود بتواند بیامیزد کتاب آسان را - فرض کنید رمان را، خاطره را، کتابهای تاریخی آسان را - با کتابهایی که احتیاج دارد به فکر کردن، مطالعه کردن؛ این نوع کتابها را باید وارد مقوله‌ی کتابخوانی کرد. ذهن را عادت بدهیم به این که اهل تأمل باشد، اهل تدقیق باشد؛ ذهن کار کند، در مواجهه‌ی با کتاب فعالیت کند؛ این احتیاج دارد به راهنمایی.

یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می‌افتد که جوانها را، نوجوانها را به کتابخوانی تشویق می‌کنیم؛ مراجعه می‌کنند، می‌گویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جوابهای متعددی دارد. مجموعه‌ی متصدیان امر کتاب - چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه‌ی کتابخانه‌ها - روی این مسأله باید کار جدی بکنند؛ در بخشهای مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکلهای مختلف، با تنوع متناسب، سیر مطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب، بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد. این هم یک نکته است.

یک نکته‌ی دیگر، انتخاب و گزینش کتاب است. کتاب، محصول فکر و مغز و تجربه و هنر و ذوق یک کسی است یا کسانی است که این کتاب را تهیه و تولید کرده‌اند. لزوماً هر کتابی مفید نیست و هر کتابی غیرمضر نیست. بعضی کتابها مضر است. مجموعه‌ای که متصدی امر کتاب است، نمی‌تواند با اتکاء به این فکر که ما آزاد می‌گذاریم، خودشان انتخاب کنند، هر کتاب مضر را وارد بازار کتابخوانی کند - همچنان که داروهای مسموم را، داروهای خطرناک را، داروهای مخدر را متصدیان امور این داروها آسان و بی‌فید در اختیار همه نمی‌گذارند؛ از دسترس دور نگه می‌دارند؛ گاهی هشدار می‌دهند - این یک خوراک معنوی است؛ اگر فاسد بود، اگر مسموم بود، اگر مضر بود، ما به عنوان ناشر، به عنوان کتابدار، به عنوان کتابخانه‌دار، به عنوان متصدی پخش - به هر عنوانی که با کتاب ارتباط دارد - حق نداریم این را در اختیار افرادی قرار بدهیم که آگاه نیستند، ملتفت نیستند؛ که این در فقه اسلام، یک فصل مخصوص به خود دارد. پس باید مراقبت کرد. باید کتاب خوب را، کتاب سالم را در اختیار گذاشت. بیشتر هم باید توجه کرد به این که آن کتاب بتواند هم پرورش فکری بدهد، هم راه درست را در اختیار بگذارد. بنابراین در کنار برنامه‌ی مطالعاتی، توجه به این نکته هم لازم است.

ما به عنوان ملت ایران و به عنوان یک ملت مسلمان، ارتباطمان با کتاب، ارتباط بنیانی و عمیق و کهن است. ما امروز و دیروز با مقوله‌ی کتاب آشنا نشده‌ایم. در کشور ما، بخصوص بعد از انتشار اسلام، کتابخانه‌های عظیم، مجموعه‌های علمی، مکتوبات باارزش، یک سابقه‌ی کهن تاریخی دارد. ما ملتی هستیم که با کتاب خیلی سابقه داریم؛ در طول قرنهای متمادی با کتاب انس داشته‌ایم. البته آن روزها دسترسی به کتاب آسان نبود. استنساخ کتابهای خطی دشوار بود، اما در عین حال کسانی که اهل بودند، شایسته برای استفاده‌ی از کتاب بودند، چه مجاهدتها می‌کردند. خوانده‌ایم و مکرر شنیده‌ایم که کسانی به یک کتاب احتیاج داشتند، دارنده‌ی کتاب بخل می‌ورزیده و نمی‌داده است؛ بعد با التماس، با زحمت، یک شب، دو شب این کتاب را امانت گرفتند، شب و روز نخوابیدند، استراحت نکردند، برای اینکه این کتاب را استنساخ کنند و یک نسخه‌ی آن را در اختیار خودشان داشته باشند. از این قبیل فراوان است. امروز این موانع برطرف شده است. پیشرفت علم، تولید کتاب، تکثیر کتاب، انتشار کتاب را آسان کرده. ما امروز بایستی با توجه به این سابقه‌ی کهن، جایگاه خودمان را در نشر کتاب، در استفاده‌ی از کتاب، بالا ببریم.

تولیدکنندگان کتاب هم بایستی به این معنا توجه کنند. در تولید کتاب - چه تولید به معنای ایجاد کتاب، چه تولید به معنای ترجمه‌ی کتاب، چه تولید به معنای نشر کتاب و در اختیار این و آن قرار دادن - به نیازها و خلأهای جامعه نگاه کنند؛ خلأهای فکری را، نیازهای

فکری را بشناسند، انتخاب کنند، سراغ آنها بروند. ما می‌بینیم در مجموعه‌ی کتاب و بازار کتاب، گاهی اوقات هدایت‌های همراه با انحراف را دنبال می‌کنند؛ بخصوص سراغ مسائلی می‌روند که برای ذهنیت جامعه، برای ذهنیت کشور، چه از لحاظ جنبه‌های اخلاقی، چه از لحاظ جنبه‌های دینی و اعتقادی، چه از لحاظ جنبه‌های سیاسی، زیانبخش است. انسان به‌وضوح مشاهده می‌کند که در بازار کتاب، در مجموعه‌ی کتاب، دست‌هایی فعالند؛ یک چیزهایی را وارد کنند، ترجمه‌هایی را به وجود بیاورند، با مقاصد سیاسی؛ ظاهرش هم فرهنگی است، اما باطنش سیاسی است.

به شما عرض کنم؛ بسیاری از کارهایی که در مقوله‌ی فرهنگ در کشور ما از سوی بیگانگان، دشمنان، معارضان اسلام و نظام اسلامی ترویج می‌شود، ظاهرش فرهنگی است، اما باطنش سیاسی است؛ این را انسان مشاهده می‌کند. مجموعه‌ی دست‌اندرکاران امر کتاب - چه شما که کتابدارید، چه مدیریت کتابخانه‌ها، چه آن کسانی که در وزارت ارشاد مسئول این کارند، چه خود ناشران محترم - باید توجه کنند که مواد تغذیه‌ی معنوی سالم، مفید و مقوی بایستی در سطح جامعه منتشر شود. امروز خوشبختانه سطح سواد و امکان استفاده از کتاب، وسیع و گسترده است؛ از این امکان باید استفاده کرد.

من از این اجتماعی که امروز هست، می‌خواهم این استفاده را بکنم که یک تجدید مطلعی بشود در مسأله‌ی کتاب و کتابخوانی و کتاب خوب و کتاب مفید و کتاب سالم؛ یک حرکتی را همه‌ی مسئولان در کشور آغاز کنند؛ از آنهایی که برنامه‌ریزی می‌کنند، تا آنهایی که تولید می‌کنند، تا آنهایی که تبلیغ می‌کنند، تا مخاطبان کتاب، جوانها و غیر جوانها که کتاب را می‌خوانند، یک نگاه جدیدی داشته باشیم. تیراژهای هزار و دو هزار و سه هزار و اینها شایسته‌ی کشور 75 میلیونی ما با این همه جوان، با این همه انگیزه نیست؛ باید تیراژها خیلی بالاتر باشد. حالا در بعضی از موارد خوشبختانه انسان می‌بیند دفعات چاپ کتابها خیلی بالاست؛ لیکن در عین حال در مجموع که نگاه می‌کنیم، نه، راضی‌کننده نیست، قانع‌کننده نیست؛ باید یک حرکتی آغاز شود.

به هر حال من، هم تشکر می‌کنم از مجموعه‌ی مسئولان امر کتاب، و هم خواهش می‌کنم که به مسأله‌ی کتاب به شکل جدی‌تری نگاه شود. کاری کنیم که کتابخوانی یک امر رایج بشود و کتاب از دست جوان ما نیفتد. این که گفته می‌شود در شبانه‌روز سرانه‌ی مطالعه‌ی کتاب فلان مقدار است، اینها آمارهای راضی‌کننده‌ای نیست؛ خیلی بیشتر از این باید باشد. هیچ وقت انسان از کتاب مستغنی نیست. از دوران نوجوانی، از اول سوادآموزی تا آخر عمر، انسان احتیاج دارد به کتاب؛ احتیاج دارد به درک مسائل و جذب مواد تغذیه‌ی معنوی و روحی و فکری؛ این بایستی در سطح عموم جامعه فهمیده شود و دنبال شود و اقدام شود.

ان‌شاءالله خداوند متعال شماها را موفق و مؤید بدارد. ما از زحماتتان تشکر می‌کنیم. از آنچه که اتفاق افتاده، خرسندیم و توقع ما این است که آنچه را که انجام دادید، ان‌شاءالله به اضعاف مضاعف آنها را زیاد کنید. خداوند شما را کمک کند و ان‌شاءالله مشمول دعای حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) باشید.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته